

اصول نظام تربیتی اسلام

غلام رضا صالحی*



چکیده

در نظام تربیتی مهدوی علیه السلام فرآیند تربیت براساس قوانین یا اصول تربیتی، شکل می‌گیرد. در این نوشتار، می‌کوشیم اصول تربیتی برآمده از قوانین اسلامی و قرآنی را بیان کنیم. جایگاه اصول در یک نظام تربیتی، اصل خدامحوری، توجه به جهان آخرت، میانه‌روی در خواهش‌ها، اهمیت به آزادی مشروع آدمی، توجه به همه جنبه‌های انسان، پیوند تربیت و تعقل، رعایت تسهیل در امر تربیت، توجه به شخصیت و عزت تربیت‌شونده، توجه به امور فطری و الهی، ایجاد شرایط تربیتی و هم‌چنین استعدادسنجی در تربیت، از مباحث اصلی این مقاله به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی

اصول تربیت، توحیدمحوری، معادگرایی، غرایز، آزادی، مسامحه، حرمت‌مداری، فطرت، زمینه‌سازی، تفاوت فردی.

مقدمه

در همه جوامع بشری، انسان‌ها ناگزیرند برای ایجاد نظم و جلوگیری از اختلاف، مقرراتی تعیین کنند تا سریع‌تر به اهداف مورد نظر خود برسند. این مقررات، حتی در ابتدایی‌ترین اجتماعات انسانی نیز دیده شده است. بدون شک هر نظام تربیتی منحصر به فرد در یک جامعه، قوانین تربیتی ویژه‌ای نیز می‌طلبد که آن مکتب تربیتی را از دیگر مکتب‌ها جدا می‌کند. بنابراین، متصدیان تربیتی آن جامعه نیز باید فرآیند تربیتی را با اصول پذیرفته شده، هم‌آهنگ سازند.

اصول تربیتی از باورها و مبانی ارزشی هر نظام تربیتی سرچشمه می‌گیرد. پس باورهای درست و ارزش‌های سالم و حقیقی در یک جامعه، اصول و قوانین تربیتی انسان‌سازتری به وجود خواهد آورد. در باور ما قوانین تربیتی نظام‌های غیردینی غربی نادرست و غیرالهی است، چنان‌که مکتب تربیتی اومانیست‌ها (انسان‌گراها)، ماهیت توحیدستیزی دارد و خواهان جدایی کامل انسان از ارزش‌های الهی و آسمانی است. پاره‌ای از اصول و آرای انسان‌مداران درباره انسان چنین است:

۱. انسان مانند دیگر اجزای جهان موجودی خود پیداست. پس آفریدگاری و رایی خود او نمی‌تواند برایش در نظر گرفت.

۲. انسان پدیده‌ای کاملاً طبیعی است که بر اساس قانون تطور و تحول مستمر و مداوم پدید آمده است.

۳. انسان وجود یگانه‌ای است که برتر از همه کس و بالاتر از هر عاملی به دین و دیانت قوام می‌بخشد و در واقع دیانت را به وجود می‌آورد.

۴. انسانیت انسان، به تحقق اهداف و آرزوهای فردی او وابسته است و در این راه می‌تواند از هر وسیله ممکن استفاده کند.^۱

ولی برعکس چنین مکاتبی، اصول و قوانین تربیتی اسلام ناب و مهدویت، از ارزش‌های الهی و واقعی گرفته شده است. چنین ارزش‌هایی سعادت واقعی بشر را می‌تواند تضمین کند. بی‌شک اگر متصدیان تربیتی به این اصول توجه کنند، می‌توانند انسان‌ها را به مسیر ایده‌آل تربیتی راه‌نمایی کنند و راه رستگاری آنان را فراهم سازند. باید گفت اگر بی‌تردید اصول تربیت نظام ارزش‌مند حضرت مهدی علیه السلام جانشین فرهنگ‌های ضدانسانی غربی شود، همگی انسان‌ها از چشمه‌سار تربیت واقعی بهره‌مند می‌شوند که نتیجه آن چیزی جز سعادت دنیوی و اخروی بشر نخواهد بود.

برای سازمان دادن به نظام تربیتی، ابتدا باید مبانی و اهداف تربیتی مشخص شود که وضعیت، موقعیت، هسته‌های انسان و جهان را بیان می‌کند. سپس از درون چنین واقعیت‌هایی، قواعدی را برمی‌گیریم که بدان‌ها اصول تربیتی گفته می‌شود. متصدیان تربیتی هر مکتبی باید براساس چنین اصولی رفتار کنند. مشخص شدن اصول تربیتی در یک نظام اهمیت بسیاری دارد که می‌توان کارکردهای آن را به این ترتیب بیان کرد:

برای سازمان دادن به نظام تربیتی، ابتدا باید مبانی و اهداف تربیتی مشخص شود که وضعیت، موقعیت، هسته‌های انسان و جهان را بیان می‌کند.

۱. کشاندن مبانی تربیتی از دایره مباحث نظری و تئوری به دایره فعلیت و جاری ساختن آن اصول در تمامی فرآیند تربیت؛
۲. مشخص شدن محدوده و مرزهای تربیتی برای فعالیت‌های تربیتی در جامعه؛
۳. تبیین و تفصیل قوانین حاکم بر رفتار مربی و متربی؛
۴. تشخیص نظام‌های تربیتی از یکدیگر و بیان نقاط قوت و ضعف مکتب‌های تربیتی؛
۵. اعطای بینش و آگاهی به مربی برای برنامه‌ریزی کاربردی در تربیت متربی.

اصول تربیتی و جایگاه آنها در نظام تربیتی مهدوی

«اصول» در لغت به معنای «اساس، بن، بیخ، قاعده، پایه‌ها» به کار می‌رود. در بیان معنای اصطلاحی اصول چنین می‌گوییم: «اصول، به قواعد و قوانینی گفته می‌شود که در برابر فروغ قرار دارد که هر علمی بر چنین پایه‌هایی استوار می‌شود.»^۱

اصول تربیتی، قواعد کلی تربیتی هستند که از مقایسه مبانی و هدف‌های تربیت کشف می‌شوند. این قواعد دستورالعمل‌هایی هستند که راه‌نمای عمل مربی قرار می‌گیرند و در واقع منبعی برای روش‌ها به شمار می‌روند.^۲ برای مثال با دانستن این موضوع که رفتار انسان‌ها تابع شناخت و بینش آنان به امور است و با توجه به هدف پرورش اخلاقی یا اجتماعی فرد، اصل اعطای بینش پدید می‌آید. به عبارت دیگر، اصول تربیتی به «قواعدی گفته می‌شود که مربیان تربیتی با استفاده از آن می‌توانند به موقع و در عین حال با روشن‌بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به شکل رضایت‌بخشی انجام دهند». این اصول تربیتی، همواره کار مربی را جهت می‌دهد و به سمت هدف‌های مورد نظر می‌کشاند، یعنی به مربی آگاهی می‌دهد تا بداند که کیفیت و کمیت کار خویش را چگونه طرح‌ریزی کند.

بی‌تردید اصول و قوانین در یک نظام تربیتی، جایگاه ویژه‌ای دارد و این اصول براساس مبانی تربیتی پایه‌ریزی می‌شود. از سوی دیگر، اصول تربیتی به صورت جعلی یا وضعی نیستند، بلکه از طریق کشف و جست‌وجو در مبانی تربیتی به دست می‌آیند. باید دانست که اصول تربیت، نقطه اتصال میان مبانی

و اهداف تربیت با روش‌های تربیتی در یک نظام کامل تربیت است که بدون تبیین اصول نمی‌توان به روش‌های درست تربیتی دست یافت. پس در یک نظام تربیتی می‌توان عناصر آن با توجه به اهمیت آنها این‌گونه رتبه‌بندی کرد:

۱. مبانی تربیتی؛
۲. اهداف تربیتی؛
۳. اصول تربیتی؛
۴. روش‌های تربیتی.

در نظام و مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام همانند مکتب تربیتی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، اصول و قوانین تربیتی از متن حقایق قرآنی و وحیانی گرفته شده است که در فرآیند تعلیم و تربیت به آن توجه می‌شود. بدیهی است متصدیان تربیتی دوران ظهور باید چنین اصولی را در سرلوحه برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند. با بررسی منابع اسلامی و دینی و کتکدوکاو در آیه‌ها و روایت‌های گوناگون می‌توان چنین گفت که جامع‌ترین اصول تربیت در نظام ارزش‌مند تربیتی حضرت مهدی علیه السلام عبارتند از:

الف) اصل توحیدمحوری

خداگرایی و توجه به توحید را می‌توان ریشه و روح همه اصول تربیت دانست. توجه به خداوند و فرمان‌های الهی، اصلی است که نظام‌های تربیتی توحیدی را از غیر جدا می‌سازد و به جای حاکمیت هوا و هوس، احکام الهی را بر متن و جوهره تربیت تزریق می‌کند. اصلی‌ترین وظیفه پیامبران علیهم السلام که همگی بزرگ‌ترین متصدیان تربیتی بشریت بوده‌اند، همان توجه دادن مردم به ذات مقدس پروردگار و دور کردن آنها از پرستش طاغوت و شرک بوده است. آنان این اصل را خدشه‌ناپذیر برای خود می‌دانستند. قرآن کریم خدامحوری و دعوت کردن مردم به توحید را از مهم‌ترین برنامه‌های پیامبران الهی می‌داند و در این باره چنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱

و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید]: خدا را بپرستید و از طاغوت [فریب‌گر] پرهیزید.

در واقع، چنین می‌توان گفت که انسان برای دست یافتن به یک تربیت الهی و توحیدی و به جای آوردن وظیفه خلیفه الهی خود پا به عرصه این جهان گذاشته است، چنان که قرآن کریم هدف اصلی خلقت را بندگی و عبادت خداوند بزرگ می‌داند:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۵

و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند.

تربیت اسلامی و قرآنی می‌کوشد تا انسان‌ها را با خالق خود آشنا سازد تا آنان به وظایف بندگی خویش آشنا شوند و هر چه بیشتر خود را به اخلاق الهی بیارایند، همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در این باره می‌فرماید:

أفضل الإیمان أن تعلم أن الله معك حيث ما كنت؛^۶

برترین ایمان آن است که بدانی هر جا باشی، خدا با تو همراه است و بر تو اشراف دارد.

با توجه به چنین اصل ارزش‌مند اسلامی، در نظام تربیتی مهدویت نیز خدامحوری و توحیدمداری در رأس برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی علیه السلام قرار می‌گیرد. آن حضرت برنامه‌های تربیتی فاسد و طاغوتی را ویران کند و برنامه منظم تربیت الهی را بنا خواهند کرد. در این برنامه تربیتی، اندیشه‌های لیبرالیستی، اگزیستانسیالیستی، اومانیستی و مانند آنها - که همان دنیاپرستی صرف و مقدم کردن اغراض شوم نفسانی بر فرمان الهی و دور ساختن انسان‌ها از وحی و سعادت است - جایی نخواهد داشت. هر فعالیت تربیتی و آموزشی بر محور احکام و فرمان‌های اسلامی و قرآنی که به سعادت انسان می‌انجامد، تنظیم می‌شود. بی‌شک می‌توان چنین گفت که اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین عامل مخالفت دشمنان حقیقت و استعمارگران عالم، با نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام این است که آنان دوست ندارند که اصل خدامحوری و حاکمیت احکام و فرمان الهی بر جهان حاکم شود. با وجود این است که وجود مقدس امام عصر علیه السلام یک مکتب تربیتی توحیدی را برای جهانیان به ارمغان خواهند آورد و در سایه این اصل نورانی، بشریت را در مسیر هدایت و سعادت و کمال جویی ره‌سپار می‌سازند. امام باقر علیه السلام در تأویل و تفسیر آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^۷ این آیه را درباره به حاکمیت توحید و احکام الهی توسط حضرت مهدی علیه السلام در عالم می‌دانند و خدامحوری و از میان بردن شرک و نفاق را از برنامه‌های اصلی آن حضرت معرفی می‌کنند و در این باره چنین می‌فرماید:

تأویل این آیه هنوز نیامده است و هرگاه قائم ما قیام کند، آن‌کس که زمان او را در یابند، تأویل این آیه را می‌بیند و هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و آیین توحیدی به هر کجا که شب می‌رسد، تسلط می‌یابد و در روی زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان‌گونه که خداوند وعده کرده است.^۸

اصول تربیتی به صورت جعلی یا وضعی نیستند، بلکه از طریق کشف و جست‌وجو در میانی تربیتی به دست می‌آیند. باید دانست که اصول تربیت، نقطه اتصال میان ممانی و اهداف تربیت با روش‌های تربیتی در یک نظام کامل تربیت است.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام درباره توحید مجوزی در نظام تربیتی مهدوی چنین می‌فرماید:

چون آن حضرت ظهور نماید، اسلام را بر یهودیان و مسیحیان و ستاره پرستان و بی‌دینان و مرتدان و کافران در شرق و غرب عالم عرضه می‌کند، هر کس از روی تمایل اسلام را بپذیرد، او را به نماز و زکات و انجام دستوراتی که بر هر مسلمانی واجب است، مکلف می‌سازد و هر کس تن به پذیرش اسلام ندهد، کشته می‌شود، به گونه‌ای که در سراسر جهان جز موحد و یکتاپرست کسی باقی نمی‌ماند و توحید سراسر عالم را فرا می‌گیرد.^۱

(ب) اصل آخرت‌گرایی

در نظام جهانی حضرت مهدی علیه السلام دنیا وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت انسان قلم‌داد می‌شود. زندگی و حیات دنیوی، مزرع‌های برای جهان آخرت آدمی است. بنابراین، تربیت‌شونده به خوبی در می‌یابد که تمامی رفتارهای او، مستقیماً در زندگانی اخروی او تأثیر می‌گذارد. دین مقدس اسلام بر خلاف مکتب‌های تربیتی مادی‌گرا مانند لیبرالیست‌ها، اومانیست‌ها و اگزیستانسیالیست‌ها که جهانی ماورای این دنیا را نمی‌پذیرند، انسان را فقط برای استفاده هر چه بیشتر از لذت‌های دنیا تربیت نمی‌کند. دین اسلام از انسان می‌خواهد با انجام وظایف الهی، خود را برای زندگانی در جهان دیگر آماده کند. با وجود این، مکتب‌های منحرف تربیتی و ضد سعادت انسانی، انسان را مخلوق طبیعت و بدون هیچ مبدأ و معاد می‌دانند و نتیجه این تفکر غلط و شیطانی چیزی جز دور کردن بشریت از سعادت ابدی و معنویت و اخلاق نیست. برای مثال، دانش‌مندان این مکاتب مادی در مورد زندگی انسان چنین می‌گویند:

زندگی آدمی، حاصل سلسله واکنش‌های شیمیایی ترکیبی است که به صورت تدریجی روی داده است و سازمان ماده بی‌جان را رفته رفته به ترازهای عالی‌تری رسانده است. در آغاز، اتم‌ها، مواد مرکب ساده به وجود آورده‌اند و از این مواد مرکب ساده، مواد مرکب پیچیده‌تری به دست آمده است و سرانجام به صورت

سلول‌های زنده (انسان) سازمان یافته‌اند...

قرآن کریم این ایده نادرست انسان‌های مادی و دنیاپرست را سبب هلاکت و عذاب دردناک اخروی معرفی کرده است و در این باره چنین می‌فرماید:

وَقَالُوا إِنَّمَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ...
قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ...^۲
و گفتند: «جز زندگی دنیای ما [زندگی دیگری] نیست و برانگیخته نخواهیم شد... همانا کسانی که دیدار خدا را انکار کردند، خسارت و زیان دیدند.

بر اساس تفکر و منطق تربیتی اسلام ناب، انسان برای جهانی دیگر خلق شده است و این دنیا و سرای مادی، فرعی برای دنیای دیگر به شمار می‌رود و انسان‌ها نیز باید با یافتن تربیت الهی و توحیدی، لیاقت دست یافتن به کمالات و پاداش‌های اخروی را پیدا کنند. قرآن کریم، این دنیا را جهانی بی ارزش و زوال یافتنی می‌داند و حیات اخروی را، زندگانی جاودان، همراه با خیر واقعی معرفی می‌کند و در این باره چنین می‌فرماید:

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ...^۳
و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

در مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام بهترین و کامل‌ترین برکت‌های مادی نصیب مردم می‌شود و جوامع بشری در کنار نور معنویت و اخلاق از نعمت‌های دنیوی نیز بهره‌مند می‌گردند، ولی با این توصیف‌ها، در چنین مکتبی، انسان‌های با ایمان در پرتو تربیت اسلامی، به آخرت توجه کامل دارند و همه اعمال و فعالیت‌های دنیوی خود را بسا گرایش اخروی انجام می‌دهند. در نظام تربیتی مهدوی، آن چنان بینشی در قلب و جان مردم جهان به وجود می‌آید که به روز قیامت و جهان آخرت اعتقاد کامل دارند. در این هنگام بشر در پی انجام وظایف شرعی و انسانی خویش است و کسی حقوق دیگران را پای مال نمی‌کند؛ زیرا آنان با تربیت مهدوی به خوبی می‌دانند که روزی باید در

پیش‌گام خداوند رحمان، جواب‌گوی رفتارهای دنیوی خویش باشند. بی‌تردید وقتی در جامعه انسانی، اصل آخرت‌گرایی به صورت فراگیر در میان انسان‌ها نهادینه شود، بهترین و گواراترین سعادت دنیوی و اخروی نصیب مردم خواهد شد و اخلاق انسانی و معنویت کامل در میان انسان‌ها به وجود می‌آید، چنان‌که در دعا برای حضرت مهدی علیه السلام درباره آخرت‌گرایی و داشتن زندگی پربار اخروی به واسطه دولت آن حضرت چنین می‌گوییم:

وَأَمِّنْ عَلَيْنَا بِمَتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّائِبِينَ
رِضَاكَ بِمَنَاصِحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ... وَتَجْعَلْنَا فِي
الْجَنَّةِ مَعَهُ...^{۱۳}

و خدایا با متابعت از او بر من منت گزار و مرا از زمره حزب او و قیام‌کنندگان به امر او و صابران با او و کسانی که رضای تو را می‌طلبند، قرار بده تا این‌که ما در قیامت در یاران و اعوان او باشیم و در بهشت نیز همراه وی باشیم...

ج) اصل تعدیل در گرایش‌ها

در نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام گرایش‌ها و خواست‌های انسان‌ها تعدیل می‌شود، به گونه‌ای که تربیت‌شونده از افراط و تفریط در رسیدن به خواسته‌ها و غرایزش می‌پرهیزد. بی‌شک در وجود انسان غرایز گوناگونی وجود دارد که لازمه زندگی انسان است، یعنی انسان به سبب چنین گرایش‌های خدادادی است که می‌تواند زندگی شایسته و سعادت‌مندان‌های داشته باشد. اگر میل‌هایی هم‌چون میل به آب و غذا، میل به خواب، میل به کمال، میل به عزت‌طلبی، میل به جاودانگی و مانند آن در وجود انسان قرار داده نمی‌شد، زندگی آدمی به سستی می‌گرایید.

باید چنین گفت که موتور فعالیت‌ها و کنش‌های انسان‌ها از همین امیال درونی سرچشمه می‌گیرد و این غرایزند که آدمیان را به جنب و جوش و کارهای ارادی وامی‌دارد و اصولاً اراده، تبلور امیال است و در انسان کششی فطری به امری وجود دارد و این میل در شرایط ویژه‌ای شکل می‌گیرد و به تحقق اراده در نفس منتهی می‌گردد.^{۱۴}

بر هم زدن تعادل گرایش‌های انسان از ضربه‌های محکمی بود که مکتب‌های انحرافی غربی به انسانیت وارد کردند. برای مثال، این مکتب‌ها با هدایت میل جنسی و مانند آن به سمت غرض‌های حیوانی، انسان را از دایره انسانیت و کمال‌جویی واقعی خارج ساختند که نمونه آشکار آن در دوران رنسانس و دنیای مدرنیته غربی به چشم می‌خورد. اسلام برخلاف چنین مکتب‌هایی می‌کوشد تا انسان را از غرق شدن و توجه افراطی و بدون حد و مرز به خواسته‌های درونی و نفسانی نجات دهد. اسلام این خواسته‌ها را در چارچوب دستورهای شرعی و عقلی قرار می‌دهد تا آدمی به سوی سعادت و کمال گام نهد. چنان‌که قرآن کریم، پس از یادآوری برخی خواسته‌های پست در انسان، تقوا و پرهیزکاری و

بر اساس تفکر و منطق تربیتی اسلام ناب، انسان برای جهانی دیگر خلق شده است و این دنیا و سرای مادی، فرعی برای دنیای دیگر به شمار می‌رود.

در نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام گرایش‌ها و خواست‌های انسان‌ها تعدیل می‌شود، به گونه‌ای که تربیت‌شونده از افراط و تفریط در رسیدن به خواسته‌ها و غرایزش می‌پرهیزد.

رعایت حدود الهی در بهرموری از این گرایش‌ها را عامل عامل سعادت و رستگاری حقیقی آدمی می‌داند و در این باره چنین می‌فرماید:

رُزِينَ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ
الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْأَخْرُثَ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ * قُلْ أُوْنِيْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ
لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ١٥٤

دوستی خواستنی‌ها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشان‌دار و دام‌ها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست، و [حال آن‌که] فرجام نیکو نزد خداست * بگو آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است؛ در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند] و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست.

در مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام در مرحله نخست، در میان خواسته‌ها و گرایش‌های انسان اعتدال برقرار می‌شود. در مرحله بعد، انسان‌ها به گونه‌ای تربیت می‌شوند که در بهرموری از گرایش‌ها و غرایز درونی هم‌چون میل به خوردن، میل به جنس مخالف، میل به خواب و... نیت الهی و توحیدی داشته باشند، به گونه‌ای که از هر افراط و تفریطی در ارضای این غرایز می‌پرهیزند و راه کمال معنوی را می‌پیمایند تا به سعادت و نعمت‌های والای خداوند دست یابند. حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام، استفاده درست از غرایز خدادادی و رعایت اعتدال شرعی و عقلی این خواسته‌ها را که نتیجه آن از میان رفتن ظلم و تعدی و فساد در جهان است، از ویژگی‌های نظام تربیتی مهدوی می‌داند و می‌فرماید:

حضرت مهدی علیه السلام فرمان روایان خود را به تمام

کشورها می‌فرستند تا عدالت را در میان مردم برقرار سازند. در آن زمان گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی می‌کنند. ربا برداشته می‌شود، فحشاء از میان می‌رود، شراب‌خواری و خودنمایی محو می‌شود، مردم به اطاعت و عبادت خداوند روی می‌آورند، دین رونق می‌یابد، نماز با جماعت خوانده می‌شود، عمرها طولانی و امانت‌ها رعایت می‌شود، درختان پرثمر می‌شود و... از دشمنان اهل بیت علیهم السلام کسی باقی نمی‌ماند.^{۱۶}

(د) اصل توجه به آزادی مشروع انسان

در مکتب قرآنی مهدوی، انسان‌ها می‌توانند از آزادی‌های مشروع خود به شکلی کامل استفاده کنند و کسی حق ندارد که آنان را از چنین نعمت بزرگ الهی محروم سازد. انسان آزاد خلق شده است و اجازه دارد که با مقدم نمودن معیارهای عقل و شرع مقدس، با نهایت آزادی، بهترین مسیر را برای زندگی خود برگزیند. نعمت آزادی که اسلام از آن سخن می‌گوید نیز همین است. به عبارت دیگر، خدا به انسان چنین حقی داده است که بتواند از نعمت‌های الهی هم‌چون خوراک، پوشاک، مسکن و... به گونه‌ای شایسته بهره‌برداری کند و مسیر سعادتش را به دست خود رقم زند. کسی هم نمی‌تواند به چنین حریم انسانی تعدی کند. چنان‌که قرآن کریم از یک‌سو، خلقت و آفرینش همه نعمت‌های موجود در زمین را برای انسان‌ها می‌داند و می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ١٧٤

اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید.

از سوی دیگر نیز از انسان‌ها خواسته است که از این نعمت‌های الهی (به نحو شایسته) استفاده کند و شکرگزار چنین پروردگار مهربانی باشد:

كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةً طَيِّبَةً وَرَبُّ
عَفُورٌ ١٨٤

از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده.

بدون تردید، آن آزادی بی حد و مرزی که جهان مدرنیسم غربی و شیفتگان فرهنگ لیبرالیستی از آن سخن می گویند، از نظر اسلام و مکتب وحی پذیرفتنی نیست؛ زیرا این نوع آزادی است که انسان را از هر قید و بندی رها می کند و اسیر شهوت و هوای نفس خود می سازد. همین آزادی اومانیستی است که باعث می شود آدمی آیات الهی را انکار کند و به جای شکر نعمت های الهی، با تمام وجود در برابر احکام الهی بایستد. در مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام نیز همانند مکتب اسلام ناب، آزادی های شیطانی، از میان برداشته می شود، به گونه ای که انسان ها هر کدام به سهم خودشان و در حد ظرفیت، از امکانات الهی و خدادادی بهره مند خواهند شد، یعنی براساس موازین عقلی و شرعی، این حق را خواهند داشت که آزادانه و بدون هیچ فشاری، در این کره خاکی زندگی شرافت مندانه ای داشته باشند. در دوران مهدوی علیه السلام می توان انتظار داشت که بندگان خداوند، با آزادی مشروع و معقولی که در آن فضای معنوی و نورانی به وجود می آید، به راحتی بتوانند از آن چه برای یک زندگی دنیوی لازم است، بهره گیرند و در نتیجه، بهترین و ایده آل ترین آزادی مشروع و معقول انسان در دید جهانیان پدیدار می شود که این همان عدالت مهدوی است، چنان که امام صادق علیه السلام درباره چنین آزادی مشروع انسان ها و رسیدن افراد به حقوق خود می فرماید:

إذا قام القائم حکم بالعدل و ارتفع فی آیامه الجور و آمنت به السبل و أخرجت الأرض برکاتها و ردّ کلّ حقّ إلی أهله...^{۱۱}

هرگاه قائم قیام کند، به عدالت حکم رانی می کند و در ایامش، ستم و جور از میان می رود و راهها امنیت می یابند و زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حق (مشروعی) به صاحبش باز خواهد گشت.

(هم) اصل جامع نگری در تربیت

انسان به گونه ای آفریده شده که از جنبه های گوناگون وجودی بهره مند می شود که عبارتند از: جسمانی، معنوی، اخلاقی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی. در تربیت کامل انسان باید به همه این جنبه ها توجه کرد. در فرآیند تربیت صحیح و ریشه ای تربیت شونده، اگر فقط به یک جنبه توجه شود با انسانی ناقص و تک بعدی سر بر خواهیم آورد. چنین نابرابری در توجه به جنبه های وجودی انسان در نظام های به ظاهر تربیتی غربی دیده می شود. در این نظام ها بیشتر به بعد جسمانی و اجتماعی انسان توجه می شود و از جنبه های روحانی و عاطفی انسان خبری نیست. برای مثال، در مکتب اومانیستی (انسان مداران افراطی)، انسان را در جنبه جسمانی خلاصه می کنند و او را از معنویت و وحی و اخلاق الهی جدا می سازند. درباره ماهیت او نیز چنین می گویند:

انسان همانند دیگر اجزای جهان، موجودی خودپیدا است. بنابراین آفریدگاری و رای خود او نمی توان برای پیدایش او در نظر گرفت. انسان پدیده ای کاملاً طبیعی است که بر اساس قانون تطور و تحول مستمر و مداوم پدید آمده است

در مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام در مرحله نخست، در میان خواسته ها و گرایش های انسان اعتدال برقرار می شود. در مرحله بعد، انسان ها به گونه ای تربیت می شوند که در بهره وری از گرایش ها و غرایز درونی همچون میل به خوردن، میل به جنس مخالف، میل به خواب و... نیت الهی و توحیدی داشته باشند.

آزادی بی حد و مرزی که جهان مدرنیسم غربی و شیفتگان فرهنگ لیبرالیستی از آن سخن می گویند، از نظر اسلام و مکتب وحی پذیرفتنی نیست.

و طرح و نقشه پیشین و اراده و تدبیر پسینی ندارد. انسان از هرگونه التزام و تکلیفی نسبت به غیر خود و انسانیت آزاد است و تنها در بند التزام به انسان و انسانیت (خود) می‌باشد. انسان با اتکا به نیروی حس و عقل و اراده خویش، به کشف واقعیات عالم هستی و اداره زندگی و تأمین سعادت خود فائق می‌آید و در این راستا از هر عاملی تحت عنوان فطرت و یا تصورات فطری بی‌نیاز است و اساساً چیزی به نام فطرت وجود ندارد.^۲

هنر دین مقدس اسلام این است که بر خلاف چنین منش‌های افراطی و نادرستی، در امر تربیت انسان، به تمامی جنبه‌های انسان نظر دارد و انسانی را کامل و سعادت‌مند می‌داند که به قدر نیاز به تمامی جنبه‌های جسمی، معنوی، اخلاقی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی رسیدگی کند تا هم به سعادت دنیوی و هم به سعادت اخروی دست یابد، چنان که قرآن کریم، از ما می‌خواهد که در عین توجه به دنیا و جنبه‌های جسمانی و مانند آن، به بعد اخروی و روحانی و عاطفی خود نیز توجه کنیم:

وَابْتَغِ الْفَيْضَ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۗ وَاذْكُرْ نِعْمَةَ اللّٰهِ الّٰتِیَ اَنْعَمَ عَلَیْكَ ۗ اِنَّكَ لَشَاكِرٌ ۙ
وَالَا تُخْسِرْنَ اَنْفُسَكُمْ ۙ اِنَّكُمْ لَعِنْدَ اللّٰهِ لَشَاكِرُونَ ۙ

و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و هم‌چنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.

تربیت انسان در مکتب تربیتی مهدوی علیه السلام نیز با الهام از اصول تربیتی اسلامی، در همه جنبه‌ها صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که بشر در همه جنبه‌های وجودی‌اش به رشد کامل می‌رسد. در چنین مکتبی همه نیازهای جسمی، روحی، عاطفی و... (به ویژه در بعد روحانی و معنوی) بشر برطرف می‌شود و انسان‌ها طعم یک زندگی آرام را به خوبی احساس می‌کنند. باید گفت آن‌چه شایسته یک انسان کامل در جنبه‌های گوناگون تربیتی است، به واسطه حضرت مهدی علیه السلام به دست خواهد

آمد، چنان‌که در دعا برای آن حضرت، از خداوند می‌خواهیم که همه نیازهای مادی و معنوی ما را که همان رشد و تکامل در همه جنبه‌های تربیتی است، به واسطه آن حضرت و نظام تربیتی او برطرف سازد تا بدین وسیله انسان‌های با ایمان، به سعادت ابدی دست یابند:

... وَاَمِّنْ عَلَيْنَا بِرِضَاكَ وَ هَبْ لَنَا رَأْسَكَ وَ رَحْمَةً وَ دَعَاكَ وَ خَيْرَ مَا نَالْنَا بِهٖ سَمَةَ مَنْ رَحِمْتَكَ وَ خَيْرًا عِنْدَكَ وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهٖ مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنَا بِهٖ مَغْفُورَةً وَ دَعَاؤَنَا بِهٖ مُسْتَجَابًا وَ اجْعَلْ اُرْسُلَانَا بِهٖ مُسَوِّطَةً وَ حُرُوقَنَا بِهٖ مُكَفَّيَةً وَ حَوَائِجِنَا بِهٖ مُقْضِيَةً...^۳

و به واسطه رضایت (حضرت مهدی علیه السلام) بر ما منت گزار و مهربانی و رحمت و دعا و خیر او را به ما عطا گردان تا ما با آن به رحمت و اسعه تو دست یابیم و در نزد تو به سعادت رسیم و به واسطه آن حضرت، نماز ما را بپذیر و از خطای ما بگذر و دعای ما را مستجاب کن و رزق و نعمت را بر ما وسیع قرار بده و نگرانی‌های ما را مرتفع کن و همه نیازها و حوایج (روحی و جسمی) ما را برطرف ساز...

وَأَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ يَا رَبِّ

از دیگر اصول تربیت در نظام تربیتی حضرت مهدی علیه السلام، مسئله پیوند ناگسستنی تربیت با دستورهای عقلی و منطقی و کنار زدن مسائل تربیتی متضاد با تدبیر بشری است. وجود عقل یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار به انسان است. انسان شایسته می‌کوشد از این نعمت الهی به خوبی استفاده کند تا این‌گونه خود را به سعادت برساند. انسان‌ها گاهی راه شقاوت و گمراهی را می‌پیمایند؛ زیرا از نیروی عقل خود استفاده نمی‌کنند و هوس را بر آن مقدم می‌دارند. در نتیجه قدردان این نعمت الهی نیستند و خود را به نازل‌ترین درجه حیوانیت می‌رسانند. چنان‌که قرآن کریم این افراد را بدترین موجودات معرفی می‌کند و می‌فرماید:

لَا يَخْتَصِرُونَ ۙ اِنَّهُمْ لَكٰفِرُونَ ۙ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَمَنْ سَجَدُوا لَقَالُوْا لِلّٰهِ سَجَدْنَا ۙ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لِمَ سَجَدُوا لَلّٰهِ لَيَقُولُنَّ اِنَّا سَجَدْنَا لِلّٰهِ ۙ اَوَّلَ مَلٰٓئِكَةٍ وَاٰخِرَتِهَا ۙ اِنَّهُمْ لَشٰكِرُونَ ۙ

قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالائی اند که نمی اندیشند.

بدون تردید، توجه به عقل و منطق، از ویژگی‌های اساسی دین مقدس اسلام به شمار می‌رود. احکام اسلامی نیز با عقل سلیم کاملاً هم‌خوانی دارد. در تربیت انسان نیز یکی از اصول تربیتی اسلام، همین است که همه فرآیند تربیت باید با عقل مطابق باشد. انطباق کامل فرآیند تربیت انسان با عقل و توجه کامل به این گوهر ناب موجود در انسان در آموزش و پرورش بشر، از دست‌آوردهای بزرگ نظام تربیتی مهدوی علیه السلام است، به گونه‌ای که در دوران ظهور، عقل محوری در تربیت انسان (با پشتوانه دین و شریعت) به اوج خود می‌رسد و در چنین شرایطی، بهترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها و راه‌کارهای تربیتی به روی بشر باز خواهد شد. به این ترتیب، دست‌آوردهای عقلی بشری، با تمام ظرفیت‌های موجود به جای اتلاف در راه‌های غیر ضروری و مضر، در راه سعادت، تکامل و تربیت صحیح انسان‌ها هزینه می‌شود، چنان‌که امام باقر علیه السلام درباره گرایش به عقل و منطق و شکوفایی عقلی بشری در مکتب تربیتی مهدوی چنین می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم وأكمل به
أعمالهم.^{۲۳}

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقل آنان را شکوفا ساخته و اخلاقشان را الهی می‌سازد.

البته نباید فراموش کرد که اگر در تربیت اسلامی و مهدوی، از عقل‌گرایی و گرایش به آن در همه جنبه‌های تربیت، سخن به میان می‌آید، منظور همان عقل و منطق و تدبیری است که انسان‌ها به واسطه آن به عبادت و بندگی خدا می‌پردازند. امام صادق علیه السلام درباره معنای واقعی عقل محوری اسلامی چنین می‌فرماید:

العقل ما عبده به الرحمن و اكتسب به الجنان.^{۲۴}

عقل چیزی است که خداوند رحمان با آن عبادت می‌شود و بهشت‌های (اخروی) با آن به دست می‌آید.

﴿العقل دیننا و محبتنا و نور تربیتنا﴾

سهل‌گیری در تربیت که از مهم‌ترین اصول تربیت مهدوی به شمار می‌رود، از لوازمی است که باید در تربیت انسان بدان توجه کرد. این موضوع سبب می‌شود تا انسان‌ها تربیت را به راحتی بپذیرند. موضوع تربیت انسان را می‌توان فرآیندی تدریجی دانست که از امور آسان آغاز می‌شود و با شکل‌گیری مراحل اولیه و ساده تربیت، می‌توان به مراحل بالاتر و دشوارتر دست یافت. اگر تربیت، با سخت‌گیری آغاز شود، نتیجه نامطلوبی در پی خواهد داشت که در بیشتر موارد، انزجار و ناخرسندی متری را در پی خواهد آورد و چه بسا تضعیف نفس، نفاق و دورویی در تربیت‌شونده پدید خواهد آمد.^{۲۵} ولی اگر متصدیان تربیتی، ظرفیت محدود تربیت‌شونده را در نظر داشته باشند و با به

هذه دین مقدس اسلام
این است که در امر
تربیت انسان به تمامی
جنبه‌های انسان نظر
دارد و انسانی را کامل
و سعادت‌مند می‌داند
که به قدر نیاز به تمامی
جنبه‌های جسمی، معنوی،
اخلاقی، عاطفی، عقلانی و
اجتماعی رسیدگی کند.

در تربیت اسلامی و
مهدوی، از عقل‌گرایی
و گرایش به آن در همه
جنبه‌های تربیت، سخن
به میان می‌آید، منظور
همان عقل و منطق و
تدبیری است که انسان‌ها
به واسطه آن، به عبادت
و بندگی خدا می‌پردازند.

کارگیری دستورهای تربیتی ساده و به دور از تکلف با او تعامل کنند، تربیت ایده‌آل و تأثیرگذار در قلب و روح تربیت‌شونده به وجود خواهد آمد. رمز این مطلب این است که اصل مسامحه و سهل‌گیری، با روح لطیف و رحمانی انسان سخت‌عمیق دارد و انسان خود به خود و به طور ذاتی از رفتار و نصایح ساده و به دور از تکلف لذت می‌برد، چنان‌که روان‌شناسان تربیتی در این باره می‌گویند:

تربیت بایست با طبیعت آدمی جوش بخورد، با فطرت او یکی شود، هرگونه تربیتی از بیرون و هر قانون تربیتی که مطابق با طبیعت و خود انگیختگی فطرت تربی نباشد، منجر به شکست است.^{۳۰}

در اسلام ناب، همه فرمان‌ها و احکام الهی برپایه ساده‌گیری به وجود آمده است. همه پیامبران الهی وظیفه داشتند که در نهایت مسامحه انسان‌ها را هدایت کنند. این حالت سبب می‌شد که بهترین انسان‌های با ایمان و توحیدی، به دست معصومان علیهم‌السلام تربیت شوند، چنان‌که قرآن کریم، همه دستورهای الهی را ساده و روان و هم‌چنین برای راحتی بندگان خداوند معرفی کرده است تا آنان بتوانند با نهایت سادگی به عبادت و انجام وظایف الهی بپردازند:

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{۳۱}

خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آن‌که ره‌نمونی‌تان کرده است به بزرگی بستابید و باشد که شکرگزاری کنید.

حضرت مهدی علیه‌السلام در برخورد و تربیت انسان‌های مستعد، مانند طیبی مهربان و خیرخواه خواهد بود. بدیهی است که در چنین مکتبی، بشریت شیفته منش و رفتار سهل و روان آن حضرت می‌شود و با شوق فراوان، به جرگه مسلمانان خواهد پیوست. در سایه چنین ملاطفتی، بالاترین و کاربردی‌ترین تربیت بشری شکل خواهد گرفت، چنان‌که در روایت‌های معصومان علیهم‌السلام، درباره برخورد مسامحه آمیز و کریمانه حضرت

مهدی علیه‌السلام با مردم به ویژه محرومان، چنین آمده است:

المهدی سمح بالمال... رحیم بالمساکین^{۳۲}
همانا مهدی خیلی مال می‌بخشد و با مردم مسکین بسیار مهربان است.

در دعا برای امام عصر علیه‌السلام می‌خوانیم که ایشان با لطف و مهربانی خود، گرفتاری‌های زندگی را برطرف می‌سازند:

اللهم المم به شعثنا و اشعب به صدعنا... یسر به عسرنا...^{۳۳}
خدایا! به واسطه آن حضرت، ما را از پراکندگی و آشفتگی و گسیختگی نجات بده و کارها و امور سخت را بر ما سهل و آسان گردان...

بدیهی است که حضرت مهدی علیه‌السلام در تربیت و پرورش بندگان مستعد با مهربانی و گذشت برخورد می‌کند، ولی در برابر دشمنان خدا، کفار و منافقان، مسامحه‌ای نخواهند داشت و میان آنان و حضرت، چیزی جز خشم نخواهد بود. امام باقر علیه‌السلام در این باره چنین می‌فرماید:

فخروجه بالسيف و قتله أعداء الله و أعداء رسوله و الجبارین و الطواغیت و آتیه ینصر بالسيف و الرعب^{۳۴}

پس، خروج آن حضرت با شمشیر است و تمام دشمنان خدا و رسولش و هم‌چنین تمامی گردن‌کشان و طاغوت‌ها را به هلاکت می‌رسانند و اوست که به وسیله شمشیر و وحشت (از طرف خداوند) نصرت و یاری می‌شود.

ح) اصل حرمت‌مداری

در مکتب تربیتی امام عصر علیه‌السلام حفظ حرمت و عزت تربیت‌شونده بسیار مهم است. مربی همواره باید جای‌گاه و آبروی تربیت‌شونده را حفظ کند. انسان دوست دارد عزیز باشد و احترام او در میان مردم و اجتماع نگاه داشته شود. قرآن کریم، یکی از نیازهای انسان را عزت‌طلبی می‌داند و سرچشمه عزت و شخصیت دنیایی و اخروی را در نزد خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^{۳۲}

آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است،] چرا که عزت، همه از آن خداست.

چنین عزت‌طلبی و شخصیت‌خواهی است که انسان را به کارهای شایسته در جامعه انسانی وامی‌دارد. انسانی که جامعه برای او ارزش و حرمتی قائل نیست، بی‌تردید روحیه و انگیزه زندگی را از دست می‌دهد. او نه تنها فعالیت مثبتی در جامعه نخواهد داشت، بلکه به هر لغزشی تن خواهد داد. این‌جاست که ارزش و ضرورت حرمت‌مداری در تربیت انسان آشکار می‌شود.

از نگاه اسلام، شخصیت انسان مؤمن، با ارزش و احترام است. هیچ کس حق ندارد به عزت و هویت انسان دیگری جسارت کند. در آموزه‌های قرآنی چنین می‌خوانیم که در تربیت و پرورش انسان‌ها بایست عزت و حرمت آنان حفظ شود؛ زیرا بی‌حرمتی نه تنها سودی ندارد، بلکه موجب بی‌رغبت شدن تربیت‌شونده خواهد شد. قرآن کریم، انسان‌های مؤمن را از بی‌احترامی و شکستن حرمت و شخصیت افراد به واسطه مسخره کردن، نسبت‌های ناروا، طعنه زدن و مانند آن نهی می‌کند و این رفتارها را از مصداق‌های ظلم به دیگر افراد بر می‌شمارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^{۳۳}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید قومی قوم دیگر را ریش‌خند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان دیگر [را] ریش‌خند کنند [شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یک‌دیگر عیب مگیرید، و به هم‌دیگر لقب‌های زشت مدهید؛ چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستم‌کارند.

از برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی علیه السلام این است که در فرآیند تربیتی بشر، حرمت و عزت آنان کاملاً محفوظ بماند. در چنین مکتب تربیتی و اخلاقی است که کسی اجازه نمی‌یابد حرمت و شخصیت دیگری را زیر سؤال ببرد و با ظلم، تهمت، تمسخر، بی‌گاری و مانند آن، عزت و هویت مؤمنان را خدشه‌دار سازد. بی‌شک عزت اسلامی و قرآنی مسلمانان جهان در چنین مکتبی آشکار خواهد شد، چنان‌که در دعا برای امام عصر علیه السلام یکی از اقدامات اساسی حکومت آن حضرت، حرمت و عزت‌بخشی به مسلمانان معرفی می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتَذَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ...^{۳۴}

حضرت مهدی علیه السلام در برخورد و تربیت انسان‌های مستعد، مانند طبیعی مهربان و خیرخواه خواهد بود.

حضرت مهدی علیه السلام در تربیت و پرورش بندگان مستعد با مهربانی و گذشت برخورد می‌کند، ولی در برابر دشمنان خدا، کفار و منافقان، مسامحه‌ای نخواهند داشت.

از برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی علیه السلام این است که در فرآیند تربیتی بشریت، حرمت و عزت آنان کاملاً محفوظ بماند.

خدایا! ما اشتیاق به تو در دولت کریمه‌ای داریم که در آن اسلام و اهل آن عزت پیدا کنند و نفاق و اهلش خوار و ذلیل گردند

و یا در دعای دیگری خطاب به آن حضرت چنین می‌گوییم:

أَيُّ عِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَالذَّلِّ الْأَعْدَاءِ...^{۳۵}

آن کسی که دوستان (خدا) را عزت می‌بخشد و دشمنان را خوار می‌سازد، کجاست؟

عنا اصل پاسخی گویی به فطریات

یکی دیگر از اصول تربیتی که در مکتب تربیتی امام زمان علیه السلام به آن توجه می‌شود، عینیت بخشیدن به فطرت بشری و جلوه‌گر کردن آنها در زندگی است. انسان به سبب داشتن فطرت به طور ذاتی به خداوند متعال و عبادت او و هم‌چنین به ارزش‌های بالایی مانند حقیقت‌جویی و فضیلت‌جویی تمایل دارند. از نظر دین، ساختار وجودی انسان به گونه‌ای است که به سوی خدا گرایش نشان می‌دهد، ولی این‌گونه نیست که این ساختار در هر شرایطی کارکرد یک‌سانی داشته باشد، یعنی ممکن است عواملی از بروز نقش آن جلوگیری کند.^{۳۶} خداوند به بندگان سفارش می‌کند تا این جنبه خلقت را تقویت و هدایت کنیم تا از مسیر اصلی خود خارج نشود. قرآن کریم درباره توجه و پاسخ‌گویی به فطرت چنین می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ...^{۳۷}

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییر‌پذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

دنیای مدرنیته و صنعتی غرب که به مکتب‌های الحادی و لیبرالیستی وابسته است، با انحراف بشریت از فطرت انسانی توانست آنها را در غرایز شهوانی و حیوانی غرق کند و حس کمال‌جویی و فضیلت‌جویی را به حاشیه زندگی براند. به این

ترتیب، بزرگ‌ترین ضربه را به بشر وارد ساخت و آنان را تا کنون از سعادت و کمال مطلوب انسانی محروم کرد. بدون تردید، در دوران حکومت تربیتی مهدوی که پایان بخش چنین مکتب‌های جدای از فطرت انسانی خواهد بود، به فطرت انسان توجه ویژه خواهد شد و کمالات اخلاقی و انسانی هم‌چون حس خداجویی، حقیقت‌طلبی، آخرت‌گرایی و... در میان جوامع انسانی به طور کامل نهادینه می‌شود. انسان‌ها در کنار زندگی مادی و طبیعی خود، به امور معنوی و الهی و سعادت‌زا روی می‌آورند و در نتیجه بهترین زندگی الهی و انسانی در میان آنان شکل می‌گیرد. امام صادق علیه السلام درباره زنده شدن مردم به واسطه توجه به فضایل و فطرت در چنین مکتبی می‌فرماید:

وَأَعْمَرَ الْأَمْمَةَ بِبِلَادِكُمْ أَسَىٰ بِهِ عِبَادِكُمْ...^{۳۸}

خدایا شهرها و بلاد را به واسطه آن حضرت آباد کن و بندگان را به واسطه وی زنده ساز.

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه شریفه:

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...^{۳۹}

این زنده شدن زمین را، حیات معنوی و فطری و اخلاقی بشریت می‌داند

و در این باره می‌فرماید:

مهدی ما قیام می‌کند و به واسطه گسترش عدالت و برابری در سراسر گیتی، جهان را زنده می‌کند. پس از آن‌که در زیر کابوس ظلم و ستم (و دوری از فطرت انسانی) مرده باشند.^{۴۰}

ی) اصل زمینه‌سازی تربیتی

در اصول تربیتی مهدوی، لوازم تربیت برای هدایت واقعی انسان‌ها، به شکل کامل محقق خواهد شد. بی‌شک بدون فراهم آوردن شرایط و مقدمات، تربیت صحیح شکل نخواهد گرفت. تربیت، فرآیند پیچیده و گسترده‌ای است که پیش از ورود به مراحل اصلی آن، باید زمینه‌های لازم را برای شکل‌گیری آن فراهم شود. در تربیت انسان، مواردی هم‌چون محیط مناسب، زمان مناسب، امکانات مناسب، ارتباط مناسب، تلقینات و گفتار مناسب و مانند آن، بسیار اهمیت دارد؛ باید گفت که فرآیند

تربیت، تنها ارائه راه و روش و تبیین واقعیت‌های تربیتی برای تربیت‌شونده نیست. در کنار این‌گونه مسائل، باید شرایط و زمینه‌های تربیتی را مانند محیط، زمان، روابط، پیام‌رسانی و... برای تربیت‌شونده به وجود آورد. برای نمونه، وقتی خداوند به حضرت موسی علیه السلام مأموریت می‌دهد که برای هدایت و اتمام حجت فرعون، سه دربار او برود، از آن پیامبر می‌خواهد که ابتدا با فرعون با مهربانی برخورد کند تا شاید چنین برخوردی در وی و اطرافیان او کارگر افتد. زیبا سخن گفتن هم‌راه با ملایمت، زمینه‌سازی مطلوب برای تربیت به شمار می‌رود. چنان‌که قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید:

﴿اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ لَكَاظِمٌ ﴿۲۱۰﴾ نَقُولُ لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّنَعْتَدُ ﴿۲۱۱﴾ كَرِهُوا عِتَابًا مِّنْهُ

به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

امام باقر علیه السلام نیز درباره زمینه‌سازی و ایجاد شرایط مناسب برای تربیت دینی فرزندان و کودکان، خانواده‌ها را به آموزش‌های مقدماتی و ابتدایی کودکان فرا می‌خواند و چنین می‌فرماید:

وقتی کودک سه ساله شد، هفت بار به او یاد دهید تا لا اله الا الله بگوید. سپس او را رها کنید تا سن سه سال و هفت ماه و بیست روز، آن‌گاه او را پیام‌زید تا هفت بار محمد رسول الله بگوید و وقتی به سن چهار سالگی رسید، هفت بار بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد. در سن پنج سالگی وقتی که دست راست و چپش را یاد گرفت به او یاد دهید تا رو به قبله بایستد و سجده کند. در سن شش سالگی رکوع و سجود را به او بیاموزید. در سن هفت سالگی به او دستور دهید که دست و صورت را شسته و او را به نماز دعوت کنید، وقتی کودک نه ساله شد، وضو را به او نشان دهید و اگر آن را ترک کرد، او را بازخواست کنید و به نماز و ادا سازید و در صورت ترک آن، از او بازخواست کنید. هرگاه که کودک وضو و نماز را یاد بگیرد، خداوند انشاء الله پدر و مادر او را می‌آمرزد. ^{۳۲}

بی‌تردید، همه این سفارش‌های امام علیه السلام به دلیل زمینه‌سازی مطلوب و مؤثر برای تربیت صحیح کودکان و فرزندان و آماده‌سازی آنها برای مراحل اساسی تربیت است. در مکتب تربیتی حضرت ولی عصر علیه السلام تمامی زمینه‌ها و شرایط نامناسب تربیتی، اعم از عوامل محیطی و انسانی که دست‌آوردهای مکاتب انحرافی غربی و شیطانی به شمار می‌رود، از صحنه حیات بشری محو خواهد شد و به جای آن، شرایط مطلوبی برای تربیت دینی و الهی انسان‌ها به وجود خواهد آمد. در چنین نظام تربیتی ایده‌آل، در مرحله نخست با عوامل مخرب تربیتی و دشمنان هدایت بشری، با نهایت جدیت و اقتدار برخورد می‌شود و دیگر مجالی برای سردمداران مکتب‌های غیراخلاقی و ضداسلامی هم‌چون مکتب لیبرالیستی و اومانیستی که زمینه‌ساز تربیت غیردینی و شیطانی بشریت بوده، نخواهد ماند. امام کاظم علیه السلام درباره مستأصل شدن زمینه‌سازان تاریکی انسان‌ها چنین می‌فرماید:

حجرتان که مکتب‌های شیطان است، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است. و آنجا که مکتب‌های شیطان است، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است. و آنجا که مکتب‌های شیطان است، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است. و آنجا که مکتب‌های شیطان است، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است.

در مکتب‌های شیطان، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است. و آنجا که مکتب‌های شیطان است، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است. و آنجا که مکتب‌های شیطان است، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است. و آنجا که مکتب‌های شیطان است، از گردن ماه‌ها و روزها و سالیان است.

الثانی عشر مَنَّا يَسْهَلُ اللهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ... و بپیر به کَلَّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ و يَهْلِكُ عَلَيَّ يَدُهُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛^{۲۲}
خداوند متعال برای دوازدهمین ما (خاندان امامت)
هر دشواری را رفع می‌کند و هر جبار و ستمگر
سرسختی را نابود می‌کند و هر شیطان سرکشی را
هلاک می‌گرداند.

با از میان رفتن دشمنان هدایت بشریت، تمامی محیط‌های
زندگی بشری، به شکل شایسته‌ای برای رساندن انسان‌ها به
کمال و سعادت، اصلاح می‌شود و شرایط و زمینه‌های لازم در
جهت شکل‌گیری زندگی گوارای دنیوی و اخروی بندگان خدا،
به وجود خواهد آمد. این همان زمینه‌سازی برای تربیت بشریت
در دوران نورانی مهدوی است، حضرت امیرالمؤمنین علی عليه السلام
درباره ایجاد محیط‌های مناسب و شرایط مطلوب برای تربیت
اسلامی و قرآنی مردم در دوران ظهور چنین می‌فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ قَدْ ضُرِبُوا
الْفَسَاطِيطُ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ؛^{۲۳}
گویا به شیعیمانم می‌نگرم که در مسجد کوفه، کانون‌ها و
خیمه‌هایی بنا نموده‌اند و به مردم قرآن را می‌آموزند.

امام باقر عليه السلام، از میان بردن محیط‌های بدعت‌آمیز و ناصحیح
را از اقدامات حضرت مهدی عليه السلام برای زمینه‌سازی تربیت دینی
مردم می‌دانند و چنین می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ
وَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شَرَفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَ
جَعَلَهَا جَمَاءً؛^{۲۴}

آنگاه که قائم قیام کند، وارد کوفه می‌شود و دستور
می‌دهد تا مساجد چهارگانه (بدعت‌آمیز) را خراب
کنند و هر مسجدی که در روی زمین دارای کنگره (و
عناصر بدعت‌آمیز و مشرکانه) باشد نابود می‌گردد و به
صورت هموار (عاری از بدعت) ایجاد می‌گردد.

ک) اصل رعایت تفاوت‌های فردی

توجه به میزان ظرفیت و استعداد و توانایی افراد، از دیگر
اصول تربیت مهدوی است، به گونه‌ای که تربیت انسان‌ها،

با توجه به میزان قابلیت‌های آنها صورت می‌پذیرد. بی‌شک
انسان‌ها از نظر توانایی‌های جسمی و روحی در یک سطح قرار
ندارند که این مسئله در تربیت آنان، بسیار اهمیت دارد. این
تفاوت‌ها نشان‌دهنده تدبیر حکیمانه الهی است؛ زیرا از دیدگاه
اسلام، هر کس در حد توان و استعداد خویش در میدان‌گزینش
و انتخاب، مسئول است. در تعلیم و تربیت باید به این تفاوت‌های
فردی به ویژه اختلاف‌های ناشی از طبیعت ذاتی افراد توجه
شود.^{۲۵} قرآن کریم، تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها را حکمت و
مصلحت الهی می‌داند و در این باره می‌فرماید:

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ
فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ
سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ؛^{۲۶}

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یک‌دیگر]
قرار داده و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی
برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است
ببازماید. آری، پروردگار تو زود کیفر است، و [هم] او
بس آرمزنده مهربان است.

در دوران ظهور، انسان‌ها با توجه به نوع توان‌مندی‌های
آنان در جنبه‌های گوناگون تربیت می‌شوند. در چنین مکتب
انسان‌سازی، انتظارها و مسئولیت‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های
فردی تعیین می‌شود. هر چند در مکتب تربیتی مهدوی، بشریت
با لطف امام معصوم عليه السلام به کمالات روحی و عقلائی دست
می‌یابد، ولی به هر حال، نمی‌توان همه انسان‌ها را در یک
سطح قرار داد. از سویی امام عصر عليه السلام با توجه به توانایی و
شناخت بالای یاران اصلی خویش، یعنی مدیران ارشد، حاکمان
و قاضیان، از این گروه انتظار ویژه‌ای خواهد داشت، به گونه‌ای
که انجام کارهایی را که برای انسان‌های معمولی امکان‌پذیر
نیست، برای آنان لازم می‌داند. حضرت علی عليه السلام در این باره
می‌فرماید:

امام قائم با یارانش پیمان می‌بندد که مسلمانی را دشنام
ندهند و حریمی را هتک نکنند و به خانه‌ای هجوم
نبرند، کسی را به ناحق نکشند، طلا و نقره گنج نکنند،
گندم و جو اندوخته نسازند، مال یتیمان را نخورند،

لباس خز و حریر نپوشند، کمر بند زرین نیندند، گندم و جو را احتکار نکنند، در امر معاش به اندک بسنده کنند، لباس درشت (گران قیمت) به تن نکنند، صورت بر خاک گذارند (در حال نماز)، در راه خدا جهاد شایسته نمایند...^{۴۸}

از سوی دیگر، حضرت مهدی علیه السلام به قشر متوسط و ضعیف جامعه انسانی، به ویژه محرومان و مستمندان بسیار مهربان است و ظرفیت و توانایی آنان را در برخورد با ایشان، لحاظ می‌کند. علی علیه السلام درباره تعامل حضرت مهدی علیه السلام با قشر آسیب‌پذیر جامعه می‌فرماید:

فلا یتک عبداً مسلماً إلاّ اشتراه و أعتقه و لا غارماً إلاّ قضی دینه و لا مظلماً لأحد من الناس إلاّ ردها و لا یقتل منهم عبداً إلاّ آدی ثمنه... و لا یقتل قتیل إلاّ قضی عنه دینه و ألحق عیاله فی العطاء...^{۴۹}

مسلمانی نمی‌ماند مگر این‌که آن حضرت او را خریده و آزاد می‌کند و بدهی و قرض افراد (آسیب‌پذیر) را ادا می‌نماید و حق هر کسی را به او باز می‌گرداند، دیه کشته‌ها را می‌پردازد و بدهی‌های انسان‌های مقتول را می‌پردازد و خانواده آنها را اداره و حمایت می‌کند...

البته در دوران ظهور، همه انسان‌های مؤمن و خیرخواه از توجه و حکومت عدالت‌گستر مهدوی برخوردار می‌شوند، ولی با این حال نمی‌توان انتظار داشت که چگونگی مسئولیت و تربیت همه افراد یک‌سان باشد و می‌بایست در تعامل با افراد جامعه مهدوی، تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های اختصاصی آنان با توجه به علم، معنویت، تخصص و... لحاظ شود.

در دوران ظهور،
انسان‌ها با توجه به
نوع توان‌مندی‌های آنان
در جنبه‌های گوناگون
تربیت می‌شوند.

نتیجه

۱. در هر مکتب تربیتی باید اصول و مقرراتی را رعایت کنیم تا آن نظام را از آشفته‌گی و بی‌نظمی نجات دهیم و فرآیند تربیت را قانون‌مند سازیم.
۲. با وضع اصول تربیت مباحث تربیتی را رنگ و بوی عملی و میدانی می‌توان بخشید و وظایف مربی و تربیت‌شونده را تعیین می‌توان کرد و مکتب‌های تربیتی را از یک‌دیگر تشخیص می‌توان داد.
۳. اصول تربیتی در هر مکتبی، جای‌گاه بالایی دارند و از مبانی و اهداف تربیتی سرچشمه می‌گیرند و زیر مجموعه این دو به شمار می‌روند.
۴. به طور کلی می‌توان اصول تربیتی مهدوی را که از اصول تربیتی اسلام ناب سرچشمه می‌گیرند، یازده اصل بیان کرد که اصلی‌ترین این اصول، توجه به توحید و معادگرایی است. این دو زیر بنای تمامی مباحث تربیتی مهدوی به شمار می‌روند و همه فعالیت‌های تربیتی باید با قوانین الهی و نظام پاداش و جزا هم‌خوانی کامل داشته باشد.
۵. در دوران مهدوی، در میان گرایش‌های بشر، تعدیل و میانه‌روی حاصل می‌شود و به خواسته‌های انسان به طور مساوی و به دور از افراط و تفریط رسیدگی می‌شود.
۶. با توجه به نیاز انسان به آزادی مشروع و معقول، در زمان امام مهدی علیه السلام انسان‌ها می‌توانند از چنین نعمت الهی بهره ببرند و کسی نمی‌تواند آنان را از رسیدن به چنین حقی باز دارد.
۷. انسان از جنبه‌های گوناگون وجودی تشکیل یافته است.

- در دوران ظهور به همه این جنبه‌ها به شکل مساوی اهمیت داده می‌شود تا انسان‌ها بتوانند به کمال مطلوب دست یابند.
۸. در مکتب تربیتی مهدوی، توجه به اصول عقلانی و منطقی جای‌گاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که همه قوانین تربیتی، با منطق و تدبیر کاملاً سازگار است.
 ۹. ساده‌گیری و رعایت مسامحت معقولانه در تربیت، از جمله اصول تربیتی مهدوی است که در سایه این اصل می‌توان امر تربیت را برای تربیت‌شونده گوارا ساخت.
 ۱۰. در تربیت مهدوی، حرمت و عزت بشر و انسان‌های مؤمن به شکل چشم‌گیری حفظ می‌شود و انسان‌ها در سایه تربیت اسلامی و قرآنی به عزت و شخصیت بالایی می‌رسند.
 ۱۱. توجه کامل به فطرت انسان هم‌چون خداپرستی، حقیقت‌جویی و مانند آن، از دیگر اصول تربیتی مهدوی به شمار می‌رود که به واسطه این اصل، انسان‌ها به کمالات روحی و معنوی والایی دست خواهند یافت.
 ۱۲. در مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام همه زمینه‌های تربیتی انسان‌ها مانند محیط مناسب، زمان مناسب، هم‌نشین مناسب و غیره، به شکل گسترده‌ای فراهم می‌شود و با موانع رشد و تکامل انسان‌ها برخوردی جدی خواهد شد.
 ۱۳. رعایت تفاوت‌های فردی در تربیت انسان‌ها و هم‌چنین توجه به توانایی‌ها و استعدادهاى افراد در مسئولیت‌بخشی، از دیگر اصول تربیتی مهدوی به شمار می‌رود. در این مکتب، انسان‌ها بر اساس نوع استعداد و ظرفیت خود مورد تکلیف قرار می‌گیرند و با هر فردی با توجه به میزان مهارت‌های جسمی و روحی وی، رفتار می‌شود.

پی نوشت‌ها

- کارشناس علوم تربیتی و پژوهشگر مرکز تحقیقات مهدویت
- ۱. نک: سیداحمد ره‌نمائی، *درآمدی بر مبانی ارزش‌ها*، ص ۱۴۱-۱۴۲، چاپ اول: مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام قم ۱۳۸۳ شمسی.
- ۲. علی‌اکبر ده‌خدا، *لغت‌نامه دهخدا*، ص ۲۸۴۱، چاپ اول: انتشارات سیروس، تهران ۱۳۳۸ شمسی.
- ۳. نک: محمدعلی ده‌آبادی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، ص ۲۰، چاپ اول: مرکز جهانی علوم انسانی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، قم ۱۳۷۷ شمسی.
- ۴. سوره نحل، آیه ۳۶.
- ۵. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
- ۶. علی‌رضا اعراقی، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، ص ۴۴، چاپ هفتم: انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۵ شمسی. (به نقل از: *میزان‌الحکمه*، ج ۱، ص ۳۱۷)
- ۷. سوره انفال، آیه ۳۹.
- ۸. نک: *بحار الأنوار*، ج ۵۱، ص ۵۵، چاپ سوم: انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
- ۹. نک: *تفسیر عیاشی*، ج ۱، ص ۱۴۳، ذیل آیه: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...﴾ (سوره آل عمران، آیه ۸۳): *اثبات الهداة*، ج ۳، ص ۵۴۹، روایت ۵۵۲.
- ۱۰. نک: محمود بهزاد، *دار وینیسیم و تکامل*، فصل هفتم، ص ۳۴۵، چاپ هفتم: انتشارات فرانکلین، تهران ۱۳۵۳ شمسی.
- ۱۱. سوره انعام، آیات ۲۹ و ۳۱.
- ۱۲. سوره انعام، آیه ۳۲.
- ۱۳. نک: شیخ عباس قمی، *کلیات مفاتیح‌الجنان*، ص ۸۹۸، دعا برای امام عصر علیه السلام چاپ ششم: انتشارات ام ایبها، قم ۱۳۷۹ شمسی.
- ۱۴. محمدتقی مصباح یزدی، *انسان‌شناسی*، ص ۴۲۱، چاپ سوم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام قم ۱۳۸۰ شمسی.

- ۱۵ . سوره آل عمران، آیه ۱۴-۱۵.
- ۱۶ . نک: سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۸۱، چاپ سوم: انتشارات مسجد جمکران، قم ۱۳۸۴ شمسی. (به نقل از: عقد الدرر، باب ۷، ص ۲۱۱)
- ۱۷ . سوره بقره، آیه ۲۹.
- ۱۸ . سوره سبأ، آیه ۱۵.
- ۱۹ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
- ۲۰ . درآمدی بر مبانی ارزش ها، ص ۱۴۰-۱۴۱.
- ۲۱ . سوره قصص، آیه ۷۷.
- ۲۲ . نک: عبدالحسین طالعی، ربیع الأنام فی ادعیه خیر الأنام، ص ۱۵۷، چاپ اول: انتشارات میقات نشر، تهران ۱۴۱۹ قمری.
- ۲۳ . سوره انفال، آیه ۲۲.
- ۲۴ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
- ۲۵ . نک: نقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمرهای، ص ۳۴، چاپ دوم: انتشارات اسوه، تهران ۱۳۷۲ شمسی.
- ۲۶ . محمدرضا قائمی مقدم، روش های آسیب زا در تربیت، ص ۶۴، چاپ دوم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۸۴ شمسی.
- ۲۷ . همان، ص ۶۵.
- ۲۸ . سوره بقره، آیه ۱۸۵.
- ۲۹ . نک: محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۵۱، چاپ پنجم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۸۱ شمسی. (به نقل از: المهدی الموعود المنتظر علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۷)
- ۳۰ . نک: کلیات مفاتیح الجنان، ص ۲۲۹، دعای افتتاح.
- ۳۱ . نک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، چاپ اول: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۵ قمری.
- ۳۲ . سوره نساء، آیه ۱۳۹.
- ۳۳ . سوره حجرات، آیه ۱۱.
- ۳۴ . نک: کلیات مفاتیح الجنان، ص ۳۹۸، دعای افتتاح.
- ۳۵ . همان، ص ۸۸۵، دعای ندبه.
- ۳۶ . نک: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۱۱۹-۱۲۰.
- ۳۷ . سوره روم، آیه ۳۰.
- ۳۸ . نک: کلیات مفاتیح الجنان، ص ۸۹۴، دعای عهد.
- ۳۹ . سوره حدید، آیه ۱۷.
- ۴۰ . نک: محمد خادمی شیرازی، یاد مهدی، ص ۵۸، چاپ اول: انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۷۱ شمسی. (به نقل از: تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۹۱)
- ۴۱ . سوره طه، آیات ۴۳ و ۴۴.
- ۴۲ . نک: محسن غرویان، تربیت فرزند با نشاط و سالم، ص ۱۸۵، چاپ سیزدهم: انتشارات احمدیه، قم ۱۳۸۳ شمسی. (به نقل از: مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲)
- ۴۳ . نک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۹.
- ۴۴ . نک: عصر زندگی، ص ۱۹۱. (به نقل از: منتخب الأثر، ص ۱۷۱)
- ۴۵ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.
- ۴۶ . نک: رضا فرهادیان، پایه های اساسی ساختار شخصیت انسان، ص ۸۲، چاپ اول: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۶ شمسی.
- ۴۷ . سوره انعام، آیه ۱۶۵.
- ۴۸ . نک: عصر زندگی، ص ۲۱۵. (به نقل از: منتخب الأثر، ص ۴۶۹)
- ۴۹ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.